

بنابراین چون از راه ایمان در حضور خدا تبرئه شده‌ایم، از صلح با خدا که به وسیله خداوند ما عیسی مسیح برقرار گردید، بهره‌مند هستیم.



2 به وسیله ایمان به مسیح، ما وارد فیض الهی شده‌ایم، فیضی که در آن پایداریم و نه تنها به امید شراکتی که در جلال خدا داریم شادی می‌کنیم، بلکه در زحمات خود نیز شاد هستیم. زیرا می‌دانیم که زحمت، بردباری را ایجاد می‌کند 4 و بردباری موجب می‌شود که مورد قبول خدا شویم و این امر امید را می‌آفریند 5. این امید هیچ‌وقت ما را مأیوس نمی‌سازد، زیرا محبت خدا به وسیله روح القدس که به ما عطا شد، قلبهای ما را فراگرفته است 6. زیرا در آن هنگام که هنوز ما در مانده بودیم، مسیح در زمانی که خدا معین کرده بود در راه گناهگران جان سپرد 7. به ندرت می‌توان کسی را یافت که حاضر باشد حتی برای یک شخص نیکو از جان خود بگذرد، اگرچه ممکن است گاهی کسی به خاطر یک دوست خیرخواه جرأت قبول مرگ را داشته باشد 8. اما خدا محبت خود را نسبت به ما کاملاً ثابت کرده است. زیرا در آن هنگام که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح به خاطر ما مرد 9. ما که با ریختن خون او کاملاً تبرئه شدیم چقدر بیشتر به وسیله خود او از غضب خدا خواهیم رست 10 وقتی ما با خدا دشمن بودیم، او با مرگ پسر خویش دشمنی ما را به دوستی تبدیل کرد، پس حالا که دوست او هستیم، چقدر بیشتر زندگانی مسیح باعث نجات ما خواهد شد 11 نه تنها این بلکه ما به وسیله خداوند ما عیسی مسیح که ما را دوست خدا گردانیده در خدا شادی می‌کنیم.

یکی از بهترین لحظات زندگی من، زمانی بود که در کوه به تنهایی ایستاده بودم و فهمیدم که ممکن است سکوت شنیده می‌شود. واقعاً چنین چیزی وجود دارد! می‌توانید سکوت را بشنوید! فقط در مکانی بسیار تنهایی می‌توانید این گونه سکوت را بشنوید. یک نوازنده به من توضیح داده بود که چنین سکوت چقدر برای موسیقی هم اهمیت دارد. مکت‌های در یک قطعه موسیقی همین سکوت است که بخشی از موسیقی را تشکیل می‌دهند. متناوب صدا و سکوت باعث موسیقی می‌شود. متن خطبه امروز ما در مورد سکوت است. بله، در واقع بیش از سکوت است. در مورد صلح است! همین متن در مورد صلح خدا است. و هنگامی که آرامش خدا به میان می‌آید، چیزی بلندتر از سکوت می‌آید. به عبرتی دیگر آرامش خدا بیشتر از فقدان صدا است. صلح خدا آرامش و استراحت فعالانه است. زیرا، خدا، هنگامی که کار انسان کاملاً سکوت بشد، شروع به کار کند. و خدا باید به صورت تنهای کار بکند. دنیای ما بر خلاف این صلح خدا است. دنیای ما حتی برعکس موسیقی زیبا است. زیرا در دنیای ما هرکسی می‌خواهد بلندتر از همسایه خود فریاد بزند. و کسی که بلندترین فریاد می‌زند یا می‌تواند قوی‌ترین سلاح‌ها استفاده کند برنده می‌شود. نتیجه آن صدا یک آشفتگی و حشمتناک است که به نظر می‌رسد. مثل این که افرادی غیر موزیقی روی قوطی‌های می‌زنند یا روی تخته سیاه با ناخن انگشت خراش می‌زنند... خدا بالاخره به ما صلح یاری کند! خدا صلح می‌خواهد. خدا می‌خواهد که ما صلح داشته باشیم. صلحی که بیش از عدم جنگ است. و او می‌خواهد که ما دوباره و دوباره این آرامش خدا در یافت می‌کنیم. امروز از موقعیت غرش این دنیا، به خدا نگاه می‌کنیم و با مزمور ۲۶ دعا می‌کنیم:

خداوندا، لطف و رحمت بی‌کران خود را که از ابتدا نشان داده‌ای، به یاد آور.

از آنجایی که ما انسانها به فریادهای دنیای خود را عادت کرده‌ایم، ارزش می‌شود سر و صدای دنیایمان را خاموش کنیم تا بتوانیم صدای خدا را بیشتری بشنویم. به خصوص در زمان روزه قبل از عید پاک، این کار مهم است تا می‌توانیم صدای خدا را بخرت بشنویم. در پایان، فقط عیسی در کوه گلگوتا باید مهم باشد. این عیسی اول از همه مورد اهمیت است! اول از همه، پولس در رومیان ۵ تأکید می‌کند که ما فقط از طریق عیسی مسیح صلح خدا در ایفت می‌کنیم. پولس می‌خواهد ما را جلب کند تا فقط به مسیح نگاه کنیم. بیشتر اوقات ما در جهت متفاوتی نگاه می‌کنیم. بیشتر اوقات ما به تنهای به زندگی خود نگاه می‌کنیم. ما اشتباهات زیادی را در زندگی خودمان مشاهده می‌کنیم. و همچنین بسیاری از گناهان را می‌بینیم. ما به راحتی می‌توانیم این گناهان و اشتباهات را از دیده دیگران مخفی کنیم. اما این کار از خدا نمی‌توانیم مخفی کنیم. خدا به قلب ما نگاه می‌کند و دقیقاً می‌داند چه چیزی را اندیشه می‌کنیم. او می‌داند که اعمال ما با سخنان ما مطابقت ندارد. او می‌داند که هر روز با احساسات و افکار بد زندگی می‌کنیم. بعضی اوقات برادران و خواهران ما نمی‌توانیم ببخشیم. فلان، برخی افراد ما سعی می‌کنند در برابر این احساسات بد کار خوبی انجام دهند... شاید مانند برخی دیگر رفتار بختری داشته باشند و به همین دلیل فکر می‌کنند که رفتار خوب می‌توانند از کارهای بد پیشی بگیرند. و بنابراین می‌توانند پیش داوری خدا

بایستد. نه، پولس به ما می گوید. این کار کاملاً اشتبا است. چون تبرئه شده ایم، تنها به وسیله خداوند ما عیسی مسیح برقرار شده است. یک مثال از کتاب مقدس داریم: وقتی قوم اسرائیل از مصر فرار کردند، همه خانواده ها مجبور بودند در هارا با خون بره آراسته کنند. وقتی فرشته مرگ این خون را دید، همین خانه را ترک کرد. مرگ در چنین خانه ای نمائند، چون چنین خون بره را روی درب دید. در آن زمان فرشته نرسیداد چه نوع کسانی در این خانه حضور داشته بودند و چه کارهایی آنها انجام داده اند، تا آنها از دلیل کار خوبی نجات در یافت کنند. او فقط خون روی درب دید. و به همین روش، امروز خدا فقط یک چیزی را می پرسد: عیسی کجاست! این سوال اساسی است! پولس در متن خطبه ما اعلام می کند که خدا نه تنها در مورد ما کلام تبرئه ایجاد کرد. اما او می گوید که او همچنین ما را از طریق عیسی تبرئه می سازد! این بدان معنی است که تمام عدالت که با عیسی در بهشت است در ما ساکن می کند و در باطن ما است. هیچ آرامشی بیش از این وجود ندارد! ما در اینجا هستیم روی زمین و در میان غرش بلند این دنیا، می آموزیم که ما فقط از طریق عیسی تبرئه هستیم. بخشی از ابدیت با ما در اینجا روی زمین است. و بخشی از ما در بهشت سمت خدا است. با این وجود، ما در اینجا روی زمین هستیم. این بدان معنی است که ما در بدن خود می مانیم. ما در خانواده های خود و در شهر و کشور خود زندگی می کنیم، جایی که هنوز درگیری وجود دارد. بعضی اوقات این نزاع به درون ما نفوذ می کند. این موقعیت شر اتفاق می افتد، هنگامی که اتفاقات بد برای ما رخ می دهد. مسیحیان همچنین رنج، بیماری و مرگ را تجربه می کنند. این اتفاقات برای ما و همچنین برای سایر افرادی اتفاق می افتد. وقتی یک فاجعه شدید رخ می دهد، تمام زندگی را تحت تأثیر قرار می دهد. به عنوان مثال، یک زن پس از مرگ فرزندش موارد زیر را گفت: " زمانی بود که همه چیز به رنگ سیاه تغیر شده بود. من نمی توانستم از هوای خوب لذت ببرم، نمی توانستم از موسیقی لذت ببرم. حتی نمی توانستم از یک غذای خوب لذت ببرم. و وقتی دیدن افراد خوشحال یا خانواده های خوشبختی، می دانستم که از آنها مستثنی هستم. زندگی من هیچ وقت شاد نبود. «چنین غم و اندوه می تواند آسمان را به ما ببندد تا دیگر نتوانیم خدا و وعده هایه خود را بشناسیم. پولس در برابر همه این چیزها صحبت می کند. و حتی می گوید ما می توانیم به همه رنج هایی که برای ما اتفاق می افتد، افتخار کنیم. او اعلام می کرد: رنج مان، امید به ارمغان می آورد. زیرا می دانیم که زحمت، بردباری را ایجاد می کند 4و بردباری موجب می شود که مورد قبول خدا شویم و این امر امید را می آفریند 5. این امید هیچ وقت ما را مأیوس نمی سازد، چگونه می توان گفت رنج خوب بشد زیرا امید به ارمغان می آورد؟ پولس در اینجا از امیدی معمولاً صحبت نمی کند. او از امید در روح القدس سخن می گوید. پولس از امید صحبت می کند، که پایه و اساس بسیار محکمی در بهشت دارد. وقتی روح القدس در ما ریخته می شود، این روح القدس دلیل و اساس امید ماست. روح القدس در بطن مسیحان کار می کند. من یک چیز را اطمینان دارم: روح القدس درست در وسط زندگی شما در اینجا و اکنون کار می کند. در وسط رنج روح القدس یک مکث تأیید می کند. و در آن زمان سکوت، خدا ما به بهشت متصل می کند. روح القدس کاملاً جزئی از زندگی ما است. و او دخله اوقات شریر، با سکوت برای ما دعا می کند. این روزهای بد از بین نمی روند. اما استراحت در وسط آن اتفاق خواهد افتاد. و به همین دلیل است که در میان پریشانی، امید ابدی ممکن است. با این کار روح القدس موسیقی وحشتناک را می گیرد و به موسیقی قشنگ تغییر می کند. در دنیا ی ما صدای بلند و اتفاق های وحشتناک هستند، روح القدس در آن رنجهای یک مکث ایجاد می کند. در آن زمان او چشم های ما را باز می کند تا می توانیم عیسی مسیح را ببینیم. و ناگهان، دقیقاً با همان زندگی و دقیقاً دخله همان رنجی که مجبور به تحمل آن بودید، سمفونی شگفت انگیز را ایجاد می کند. روح القدس ریتم می بخشد و یک مکث ایجاد می کند. از طریق دعا هنگامی که انجیل می خونیم روح القدس این مکث ایجاد می کند. و مهمتر از همه وقتی بدن و خون مسیح را در یافت می کنیم این کار را می کند. اینها استراحت هایی است که ما کاملاً به موسیقی خدا تبدیل می شویم. زیرا محبت خدا به وسیله روح القدس که به ما عطا شد، قلبهای ما را فرا گرفته است. سرانجام، پولس به ما اثبات می کند که این کار خدا حقیقتاً صحیح است: او به ما می گوید وقتی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح برای ما درگذشت. پولس بسیار روشن می کند که عیسی و روح القدس برای ما کار می کند. اصلاً مسیری وجود ندارد که ما باید انجام دهیم تا به خدا برسیم. اول از همه خدا باید چیزی برای ما انجام می دهد. از آن به بعد ... واقعاً آرام می شود ...

از چند دهه قبل در آفریقای جنوبی بین دو گروه رقیب جنگ وجود داشت. یک روز این دو گروه با مسلح خودشان روبه رو ایستادند. سر صدا بلند بود. آن رویداد به خونریزی وحشتناک آماده بود. سپس یک کشیش با ماشین خود آمد و دقیقاً بین دو گروه پارک کرد. او با آرامش چمدان را برای مراسم عشای ربانی باز کرد و مراسم را آماده کرد. سپس او روی سقف مشین خود ایستاد و در میان جمعیت فریاد زد: "چه چیزی بهتر میشه خون خود را ریخته، یا بدن واقعی عیسی می خرد و خون عیسی مسیح را بنوشید تا گناهانتان را ببخشند." آن روز ساکت بود. و هیچ قطره خون انسانی ریخته نشده بود...

و آرامش الهی که بالاتر از فهم بشر است، دلها و افکار شما را در مسیح عیسی حفظ خواهد کرد. آمین